

جلوه‌های بی‌ادبی کلامی در تلویزیون در چارچوب نظریهٔ گفتمان کالپیر

مطالعه موردی: سریال «مادرانه»

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۰۵

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۱/۲۹

زهرا نامور^۱

چکیده

وجهه، خود انگارهٔ عمومی است که هر فرد برای خود قائل است. وجهه، عبارت است از احترامی که هر فرد برای خود و آبروی خود قائل است. از طرفی، ادب توجه به وجههٔ طرف گفت‌وگو در طول مکالمه و در مقابل، بی‌ادبی تهدید وجهه است. کالپیر (۲۰۱۱) در نظریهٔ گفتمان خود به راهکارهای اعمال بی‌ادبی براساس سه نوع وجههٔ فردی، رابطه‌ای، اجتماعی و دو نوع حقوق اجتماعی تساوی و وابستگی و ارتباط این مفاهیم اشاره می‌کند. این رویکرد بر عواملی چون بافت، هنجارهای اجتماعی و احساسات متمرکز و دارای ویژگی جمع‌مداری وجهه است. از این رو با چنین رویکردی می‌توان پدیدهٔ بی‌ادبی کلامی را در سریال‌های خانوادگی ایرانی بررسی کرد. این پژوهش در چارچوب این نظریه به این سؤال پاسخ می‌دهد که نظریهٔ گفتمان کالپیر در سریال «مادرانه» از چه زوایایی قابل بحث و این سریال حاوی کدام یک از الگوهای بی‌ادبی کلامی است. به این منظور تعداد ۳۰ نمونه از گفت‌وگوهای حاوی ارتباط میان انواع وجهه و حقوق اجتماعی به روش نمونه‌گیری هدفمند، انتخاب و از روش توصیفی - تحلیلی برای تحلیل آنها استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که همهٔ الگوهای بی‌ادبی کلامی شامل تهدید وجههٔ فردی، رابطه‌ای و اجتماعی با توجه به حقوق اجتماعی با جلوه‌های مختلف در این سریال بکار رفته که در این بین الگوی تهدید وجههٔ رابطه‌ای به میزان ۸۶/۶ درصد دارای بالاترین میزان وقوع است.

واژه‌های کلیدی

ادب، بی‌ادبی، تهدید وجهه، نظریهٔ گفتمانی، سریال «مادرانه»

۱. مقدمه

قراردادهای اجتماعی جوامع و در نتیجه بازنمایی آنها در زبان‌ها متفاوت است. مقاصد رفتارهای انسانی در نظام ارتباطی زبان به شیوه‌های خاصی رمزگذاری و در پی آن گفتمان‌های متفاوتی تولید می‌شوند. از این‌رو، با بررسی سازوکارهای زبانی و کشف نظام رمزگذاری آن می‌توان به نیت ارتباطی و شرایط حاکم بر گفتمان دست یافت.

موضوع رفتار بی‌ادبانه کلامی نیز به‌عنوان یک رفتار انسانی در بخش‌های متفاوت جوامع نمودها و ویژگی‌های خاصی دارد. در این راستا خشونت کلامی^۱ را می‌توان نوعی خشونت در نظر گرفت که کارکرد گفتمانی دارد. آنچه از مفهوم خشونت کلامی در حوزه تحلیل گفتمان بر می‌آید از دست رفتن استقلال و سرشت انسانی تحت فشار هنجارها و قوانین قطعی و پرسش‌ناپذیر زبان است. مالکین^۲ خشونت کلامی را در حوزه گفتمان و کاربرد شناسی زبان مورد بررسی قرار می‌دهد و الگوهای زیر را برای آن برمی‌شمارد: زبان می‌تواند ۱. به‌طور خصمانه به فرد هجوم بیاورد؛ ۲. سلاح مستبدانه‌ای برای تسلط باشد؛ ۳. افراد را به بند کشیده و اذیت کند؛ ۴. آلت شکنجه‌ای وحشت‌زا باشد؛ ۵. قدرت را بر گرفته و کنترل کند روابط انسانی را تعریف کند (مالکین، ۲۰۰۴: ۲۴).

گالتونگ^۳ (۱۹۶۹) بین خشونت ساختاری^۴ و خشونت مستقیم^۵ تفاوت قائل می‌شود. بدین‌صورت که خشونت مستقیم کاربرد قدرت مادی برای تأثیرگذاری بر کسی یا واکنش در مقابل اعمال سایر انسان‌هاست و خشونت ساختاری نتیجه ساختارهای اجتماعی است که تأثیر غیرمستقیم بر مردم دارد (روپسینگه^۶، ۱۳۷۹: ۱۲۸). کالپپر^۷ (۲۰۰۵: ۳۸) بی‌ادبی^۸ را راهبردهای ارتباطی^۹ می‌داند که برای حمله به وجهه^{۱۰} مخاطب برنامه‌ریزی شده است که

۱. Verbal Violence

۲. J. R. Malkine

۳. J. Galtung

۴. Structural Violence

۵. Direct Violence

۶. T. Rupsyngheh

۷. J. Culpeper

۸. Impoliteness

۹. Communicative Strategies

۱۰. Face

باعث تعارض^۱ و ناهماهنگی اجتماعی^۲ می‌شود. وی می‌گوید بی‌ادبی زمانی رخ می‌دهد که گوینده آگاهانه و وجههٔ مخاطب را مورد تهدید قرار دهد یا مخاطب قصد حمله به وجهه‌اش را در رفتار کلامی گوینده درک کند. کالپیر (۲۰۱۱) در نظریهٔ گفتمان خود راهکارهای مختلف بی‌ادبی را بر اساس وجهه و حقوق اجتماعی طبقه‌بندی و به ارتباط این مفاهیم اشاره کرده است. وی در این رویکرد به پنج الگو برای بی‌ادبی کلامی قائل است که عبارتند از سه نوع وجههٔ فردی^۳، رابطه‌ای^۴، اجتماعی^۵ و دو نوع حقوق اجتماعی تساوی^۶ و وابستگی^۷.

یکی از رسالت‌های رسانه پرمخاطب تلویزیون اجتماعی کردن افراد و ترویج الگوهای صحیح رفتارهای زبانی از طریق انواع تولیدات تلویزیونی از جمله سریال‌هاست. سریال تلویزیونی به‌عنوان نمودی از زندگی و فرهنگ یک جامعه و نیز بافتی با هنجارهای تعاملی خاص خود و با حضور عوامل کلامی و غیر کلامی متعدد عرصه مناسبی برای مطالعه زبان است. رفتار زبانی بی‌ادبانه و آزار دهنده در سریال تلویزیونی یک رفتار قابل مشاهده و وسیله‌ای برای کنترل و تحقیر فرد مقابل است که الگوهای کاربرد آن را توسط شخصیت‌های سریال می‌توان بر اساس نظریهٔ تحلیل گفتمان^۸ بررسی کرد. به این علت که تولید سریال‌های تلویزیونی ایرانی دارای مضامین خشونت‌بار همچون سریال‌های «مادرانه»، «میکائیل»، «زیر هشت»، «مدینه»، «عقیق» طی سال‌های اخیر رو به پیشرفت و در عین حال از جذابیت بالایی برای مخاطبان برخوردار بوده است، ضرورت بررسی فیلمنامه این سریال‌ها نیز احساس می‌شود. در قصهٔ سریال «مادرانه» نوشتهٔ سعید نعمت‌الله به کارگردانی جواد افشار گره خوردن دو قشر کم درآمد و مرفه جامعه و معضلات بین این دو قشر به تصویر کشیده شده است. از این‌رو این سریال را می‌توان به‌عنوان بازنمودی از زندگی واقعی پیکره مناسبی برای تحلیل کاربرد خشونت کلامی در ساز و کارهای روابط میان قشرهای مختلف جامعه به شمار آورد. پژوهش پیش‌رو بر آن است تا بر پایهٔ نظریهٔ بی‌ادبی کالپیر به

1. Conflict

2. Disharmony

3. Quality Face

4. Relational Face

5. Social identity Face

6. Equity Rights

7. Association Rights

8. Discourse Analysis

توصیفی از الگوهای بی‌ادبی کلامی در این سریال پردازد و ارتباط میان انواع وجهه و حقوق اجتماعی را در فرهنگ ایرانی بررسی نماید.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهشگران غیر ایرانی مختلفی به مفهوم بی‌ادبی کلامی با توجه به عوامل بافت، هویت اجتماعی و هنجارهای موجود در جامعه پرداخته‌اند. رانگ رانگ (۱۹۹۳) با بررسی مفهوم بی‌ادبی در فیلم «باشگاه جوی لاک» به این نتیجه دست یافته است که امکان دارد زبان سلاحی باشد که افراد در مشاجرات برای تخریب وجهه و نشان دادن قدرت خود از آن استفاده می‌کنند. آپازای (۲۰۱۰) در پژوهش «هویت و بی‌ادبی در پاسخ‌های رایانه‌ای خوانندگان» نشان داد که کاربرد بی‌ادبی با شناخت فرد از خود و موقعیت ایدئولوژیکی ارتباط دارد. نورتر کسلز (۲۰۱۱) در تحقیق «پاسخ‌های موجود در سایت‌های خبری بر خط بریتانیایی» این نکته را نشان داد که بی‌ادبی بیشتر به صورت حمله به وجهه (شخصیت و اعتبار و صداقت نویسنده) رخ می‌دهد. رودانکو (۲۰۰۶) در پژوهش «بی‌ادبی بسیار خشن و نوع هدف گوینده در یک پرده از نمایشنامه «تیمون آنتی» اثر شکسپیر» راهکار جدیدی فراتر از بی‌ادبی محض با نام «بی‌ادبی بسیار خشن» بر آخرین نقطه بی‌ادبی روی یک پیوستار فرض کرد. استراس برگر، ویلسون و جوردن (۲۰۰۹) با اجرای یک تحقیق ملی در زمینه بی‌ادبی تلویزیونی در امریکا نشان دادند که در تلویزیون خشونت اغلب به صورت جذاب و دارای وجهه نشان داده می‌شود. آنها به ارائه عوامل افزایش‌دهنده بروز بی‌ادبی در برنامه‌ها نیز پرداخته‌اند. این عوامل عبارتند از: مجرمی که قیافه جذاب دارد، بی‌ادبی که دلیل موجه دارد، بی‌ادبی که بدون مجازات می‌ماند، بی‌ادبی که حداقل پیامد بد را برای قربانی دارد و بی‌ادبی که واقعی به نظر می‌رسد. به پژوهش‌های ایرانیان در عرصه بی‌ادبی کلامی نیز می‌توان اشاره کرد. الیاسی (۱۳۹۲) در تحقیق «بررسی بی‌ادبی در نظرات خوانندگان به رسانه‌های برخط» براساس الگوی بی‌ادبی یوسفیلد (۲۰۰۸) با بررسی نظرات خوانندگان سه سایت ایران هسته‌ای، گل آقا و افکار نیوز نشان داد که بی‌ادبی در رفتار و به‌ویژه بی‌ادبی کلامی در خانواده یکی از عوامل مهم رفتار ناهنجار، طلاق عاطفی و فرار فرزندان از خانه به حساب می‌آید. محمودی بختیاری و معنوی (۱۳۹۳) در تحقیق خود با عنوان «خشونت کلامی در نمایشنامه هاملت با سالاد فصل: رویکردی گفتمانی» با بهره‌گیری از نظریه گفتمانی مالکین (۲۰۰۴) با بررسی الگوهای خشونت کلامی در این اثر ادبی مؤلفه‌های غالب در گفتمان خشونت‌آمیز شخصیت‌های این نمایش را ارائه می‌کند. شرکت مقدم و احمدی (۱۳۹۵) در پژوهش «مطالعه خشونت از متن جامعه تا

متن نوشتار: تحلیل گفتمان خشونت در رمان «زمین» اثر امیل زولا» به ماهیت گفتمان خشونت به عنوان یک پدیده زبان‌شناختی در این رمان پرداخته و نتیجه می‌گیرد که هم ادبیات آیینی انعکاس رفتارها / ناهنجاری‌های اجتماعی است و هم این رفتارها / ناهنجاری‌های اجتماعی بر سبک‌های ادبی تأثیر گذارند. محمودی بختیاری و سلیمیان (۱۳۹۵) در تحقیق «ارتباط متقابل انواع وجهه و حقوق اجتماعی در بررسی بی‌ادبی کلامی» با بهره‌گیری از رویکرد کالپیر (۲۰۱۱ب) به تحلیل رابطه میان انواع وجهه و حقوق اجتماعی در مجموعه نمایش‌نامه‌های «روی صحنهٔ آبی» پرداخته که در فرهنگ ایرانی دارای اهمیت ویژه‌ای است.

۳. چارچوب نظری

ادب^۱ را می‌توان به منزلهٔ مفهومی ثابت، همچون رفتار اجتماعی مؤدبانه یا آداب معاشرت در نظر گرفت. همچنین می‌توان برای رفتار مؤدبانه در تعامل اجتماعی یک فرهنگ خاص، اصول کلی همچون با تدبیر بودن، با گذشت بودن، با حیا بودن و داشتن حس همدردی نسبت به دیگران را شناسایی کرد. نداشتن صراحت لهجه نیز ممکن است صورتی از ادب باشد به طور کلی ادب نظامی است که روابط بین فردی با هدف تسهیل تعامل و از طریق به حداقل رساندن برخورد و رویارویی که جزء ماهیت تبادلات انسانی است صورت می‌پذیرد (یول^۲، ۱۳۸۹: ۱۳۶-۸۲).

زبان اغلب به شدت با مجموعه‌ای از روابط اجتماعی مرتبط است. ما می‌توانیم در صحبت کردنمان بی‌ادب یا مؤدب باشیم که اتخاذ یکی از این دو موضع به نوع رابطهٔ اجتماعی موجود میان ما و مخاطب ما بستگی دارد. برای مثال تقاضای نشستن را می‌توانیم به صورت‌های «بشین»، «بفرما»، و «بتمرگ» ادا کنیم.

یکی از مهمترین کاربردهای زبان در حوزهٔ مدیریت روابط در عرصهٔ زبان‌شناسی است. رفتار کلامی به‌عنوان ابزار تولید روابط انسانی کارآمد در قالب مفهوم ادب/ بی‌ادبی کلامی در رویکردهایی چون رویکرد براون^۳ و لوینسون^۴ با تأکید بر وجهه (۱۹۸۷)، رویکرد لیچ^۵ (۱۹۸۳) با تأکید بر قواعد اجتماعی و رویکرد گفتمانی کالپیر (۲۰۱۱) بکار رفته است که نظریهٔ

1. Politeness

2. G. Yule

3. P. Brown

4. S. Levinson

5. G. Leech

کاربردشناسی کلاسیک و اصول همکاری^۱ گرایس^۲ (۱۹۷۵) اساس این نظریه‌ها را شکل می‌دهد.

گرایس (۱۹۷۵) برای نخستین بار معیار اصل کمیت، کیفیت، ربط و روش و در کنار آن ادب را مطرح ساخت. گرایس با بررسی نمونه‌های متعددی از گفت‌وگو دریافت که گفت‌وگو نوعی رفتار زبانی گروهی است که جزء با همکاری امکان‌پذیر نخواهد بود. از همین رو اصول همکاری خود را به‌عنوان الزامات گفت‌وگو مطرح ساخت. به عبارتی، اگر گفت‌وگوگری این الزامات را نقض کند حتماً موجب نقض روند گفت‌وگو می‌شود. اصول همکاری گرایس عبارت‌اند از:

۱. طبق اصل کمیت^۳ مشارکت در گفت‌وگو باید تا اندازه‌ای باشد که اطلاعات لازم را به شنونده بدهد؛
 ۲. طبق اصل کیفیت^۴ سخنی را که می‌دانی نادرست (دروغ) است بر زبان نیاور؛
 ۳. طبق اصل ربط^۵ سخن هر گوینده باید به موضوع گفت‌وگو مرتبط باشد و سخن نامربوط خلاف شأن گفت‌وگو است؛
 ۴. طبق اصل روش^۶ از بیان سخن نامفهوم، طولانی و نامنظم اجتناب کنید و
 ۵. طبق اصل ادب گفت‌وگوگران انتظار رعایت ادب از سوی یکدیگر را دارند.
- لیچ در تعریف اصل ادب می‌گوید بیان عقاید مؤدبانه را به حداکثر برسان. اصل لیچ براساس فاصله اجتماعی و دارای شش قاعده است:
۱. قاعده لطف: زحمت را برای طرف مقابل به حداقل و راحتی را برای او به حداکثر برسان؛
 ۲. قاعده بذل^۷: راحتی را برای خود به حداقل و زحمت را برای خود به حداکثر برسان؛
 ۳. قاعده تمجید^۸: ستایش از دیگری را افزایش بده؛
 ۴. قاعده تواضع^۹: ستایش از خود را به حداقل برسان؛
 ۵. قاعده توافق^{۱۰}: اختلاف بین خود و

۱ . Cooperation Principles

۲ . H.P. Grice

۳ . Quantity

۴ . Quality

۵ . Relation

۶ . Manner

۷ . Tact Maxim

۸ . Approbation Maxim

۹ . Modesty Maxim

۱۰ . Agreement Maxim

دیگری را به حداقل برسان و ۶. قاعدهٔ رفق^۱: همدردی بین خود و دیگری را افزایش بده (لیچ، ۱۹۸۳: ۱۳۲).

براساس نظریهٔ ادب براون و لوینسون نیز آن رفتاری که در راستای حفظ وجههٔ مخاطب باشد مؤدبانه و هر رفتاری که با هدف حمله به وجههٔ مخاطب انجام شود بی‌ادبانه است. در مدل آنها، ادب عبارت است از توجه به وجههٔ شنونده و به کارگیری راهبردهایی به‌منظور کاهش میزان تهدید آن. براون و لوینسون وجهه را خود انگارهٔ عمومی تعریف نموده‌اند که هر عضو جامعه برای خود قائل است. در واقع، وجهه عبارت است از احترام و آبرویی که هر فرد برای خودش در خلوت قائل است و تمام تلاشی که فرد برای رعایت احترام و ادب نسبت به دیگران می‌کند در واقع در جهت پیشگیری از به خطر افتادن وجههٔ خود می‌باشد. آنها به تأثیر وجهه، کنش تهدید وجهه^۲ و متغیرهای اجتماعی مرتبط با تهدید وجهه نیز اشاره می‌کنند (براون و لوینسون، ۱۹۸۷: ۶۱-۶۵).

براون و لوینسون معتقدند که انسان دارای دو ویژگی وجهه و عقلانیت^۳ است. این دو ویژگی جزء نیازهای اساسی افراد است و نمی‌توان آنها را جزء هنجارهای اجتماعی نامید. از نظر آنها کنش‌های ارتباطی همچون تقاضاها، مخالفت‌ها، دستورها و تهدیدها به‌طور ذاتی وجهه را مورد تهدید قرار می‌دهند. از این‌رو نیاز به تعدیل یا اصلاح دارند و افراد براساس شدت عملی که مرتکب شده‌اند یکی از راهکارهای ادب را برای اصلاح عمل خویش بر می‌گزینند. به عبارت دیگر، حفظ وجهه امری دو طرفه است و هر دو طرف گفت‌وگو باید با یکدیگر همکاری داشته باشند (براون و لوینسون، ۱۹۸۷: ۶۷).

در دهه‌های اخیر تحلیل‌های فرهنگی - اجتماعی نظریه‌پردازان برجسته‌ای همچون کالپیر در این عرصه مطرح شده است. کالپیر در بررسی پدیدهٔ ادب کلامی، به مفاهیمی چون وجهه، هنجار اجتماعی، عمدی بودن، بافت و احساسات و عواطف اشاره می‌کند که به نظر او در تفسیر یک رفتار به‌عنوان ادب زبانی کاملاً مؤثر هستند. طبق تعریف کامل کالپیر از بی‌ادبی کلامی، بی‌ادبی نگرش منفی در برابر رفتارهای خاص است که در بافت‌های ویژه‌ای رخ می‌دهد. این امر با توقعات، خواسته‌ها و نگرش‌های سازماندهی شده اجتماعی تقویت می‌شود. زمانی که رفتارهای موقعیتی در تعارض با آن گونه‌ای که فرد انتظار دارد و می‌خواهد قرار

1. Sympathy Maxim

2. Face Threatening Acts

3. Rationality

می‌گیرد فرض بر این است که چنین رفتارهایی همیشه برای حداقل یکی از طرفین عواقب احساسی به دنبال دارند و به این معنا که باعث آزار یکی از طرفین می‌شوند (کالپپر، ۲۰۱۱: ۲۰۳). از نظر کالپپر (کالپپر، ۲۰۱۱: ۱۱۸) در بی‌ادبی هدف از کنش در بیشتر موارد حمله به وجهه است و تعامل‌کننده در فرایند ارتباط از واژه‌ها و عباراتی استفاده می‌کند که باعث حمله به وجهه می‌شوند همچنین کالپپر از اصول کلی بی‌ادبی نام می‌برد که عبارت‌اند از: ۱. بی‌ادبی ذاتی^۱ که در این بی‌ادبی، برخی از اعمال به‌طور ذاتی وجهه را به خطر می‌اندازند و بی‌ادبانه محسوب می‌شوند. این نوع بی‌ادبی زمانی اتفاق می‌افتد که شخص مرتکب یک فعالیت ضد اجتماعی شود و به عبارت دیگر فقط بر جنبه فردی متقابل تأکید دارد و عامل بافت را نادیده می‌گیرد. کالپپر (۲۰۱۱: ۴۲۳) بر این باور است که این بی‌ادبی در موارد بسیار نادری رخ می‌دهد. مثلاً زمانی که فرد یک رفتار اجتماعی مثل آروغ زدن جلوی بزرگترها یا در رستوران در فرهنگ ایرانی از خود بروز می‌دهد. وی معتقد است که بی‌ادبی ممکن است از طریق یک عبارت زبانی یا بافت منتقل شود، اما هیچ یک از این دو مورد به تنهایی نمی‌تواند ضامن وقوع بی‌ادبی باشند و تعامل میان بافت و عبارت زبانی باید مد نظر باشد (۲۰۱۱: ب: ۱۲۵). ۲. بی‌ادبی کاذب^۲ که نوعی بی‌ادبی و یک شوخی کنایه‌آمیز است و در آن گوینده قصد ناراحت کردن مخاطب را ندارد و همبستگی در رابطه میان فردی را نیز نشان می‌دهد.

این نظریه از پنج راهکار تشکیل شده است که عبارت‌اند از: بی‌ادبی آشکار؛ ۳. بی‌ادبی مثبت؛ ۴. بی‌ادبی منفی؛ ۵. طعنه؛ ۶. خودداری از ادب. کالپپر این راهبردها را به شرح زیر بیان کرد:

۱. بی‌ادبی آشکار که اشاره به کنش تهدید وجهه به‌طور مستقیم و واضح گوینده دارد. در این نوع راهکار، گوینده و شنونده می‌دانند که وجهه خواسته‌ها تحت تأثیر یک مورد ضروری و فوری هستند، تهدید وجهه کم است و گوینده در مقایسه با شنونده قدرت بیشتری دارد. البته به جنبه بین فردی تعامل چندان توجه نمی‌شود و لیکن پیش-فرض‌های موجود ممکن است ناخودآگاه خود را نشان دهند. مثلاً زمانی که خانه‌ای

-
1. Inherent Impoliteness
 2. Mock Impoliteness
 3. Bald on Record Impoliteness
 4. Positive Impoliteness
 5. Negative Impoliteness
 6. Sarcasm or Mock Politeness

دچار حریق شده و فرزند خانواده جایی پنهان شده و پاسخ فریادهای پدر را نمی‌دهد. پدر با عصبانیت فریاد می‌زند: کجایی؟ چرا جواب نمی‌دی، کری؟ چرا مثل مامان یه دنده‌ات رفتار می‌کنی؟. در این بافت پدر می‌کوشد جان فرزند را نجات دهد اما با انتساب صفت «یه دنده» از همسر خود نیز انتقاد می‌کند. بنابراین، در بی‌ادبی آشکار عبارت به‌صورت مستقیم، روشن و واضح منتقل می‌شود.

۲. بی‌ادبی مثبت: راهکارهایی است برای تخریب درخواستی که مخاطب انتظار تأییدش را داشته است. در الگوی کالپیر سرزنش و نادیده گرفتن یا بی‌مחلی کردن به دیگران، محروم کردن کسی از فعالیت‌های خاص، مخالفت با جدا شدن از وی، بی‌علاقگی، خونسردی و عدم همدردی، استفاده از زبان مبهم و مرموز و دشواژه‌ها، صدا کردن نام افراد با کلمات اهانت‌آمیز، ایجاد احساس ناامنی در دیگران و نظایر آن، ابزار تخریب وجههٔ مثبت مخاطب هستند. وجههٔ خواسته‌های ایجابی شنونده فرد را در برقراری ارتباط صمیمانه با دیگران تشویق می‌کنند. مواردی چون تمایل فرد در برقراری ارتباط گرم و دوستانه با مخاطب و شرکت فعال در گروه، نمونه‌هایی از این نوع وجههٔ خواسته‌ها هستند. این نوع وجهه ارتباط با خود وابسته (مفهومی از خود که در رابطه با دیگران تعریف می‌شود) است. این نوع بی‌ادبی ایجابی زمانی رخ می‌دهد که این نوع وجههٔ خواسته نادیده گرفته شوند.

۳. بی‌ادبی منفی: این نوع بی‌ادبی راهکاری برای آسیب به وجههٔ خواسته‌های سلبی است. در اینجا وجهه خود مستقل (مفهومی از فرد که به استقلال نیاز دارد) مورد توجه است. وجههٔ خواسته‌های سلبی به خواسته افراد مبنی بر آزادی عمل و عدم تحمیل از جانب دیگران اشاره دارند. این وجههٔ خواسته‌ها ممکن است به طرق مختلف آسیب ببینند، مانند تحقیر، ترساندن، مسخره کردن، شریک قرار دادن کسی با فرد در یک صفت منفی، فاش کردن اسرار دیگران، مانع ورود کسی به جایی شدن (ایستادن جلوی در و ندادن اجازه خروج/ ورود) و زبانی (گرفتن حق انتخاب افراد و تعیین تکلیف کردن و دخالت در امور دیگران) و معنوی باشد.

۴. بی‌ادبی غیرمستقیم هنگامی است که ادب غیرصادقانه باشد و هدف از کاربرد راهکارهای ادب کلامی، رعایت ادب نباشد و رنجاندن به‌طور غیر مستقیم و توسط طعنه، تلویح یا استعاره صورت گیرد که در صورت احساس خطر بتوان آن را انکار کرد.

بی‌ادبی غیرمستقیم می‌تواند همچون کنایه نیش‌دار توهین‌آمیز باشد مثلاً به کسی که با عصبانیت در حال ترک اتاق است بگوییم: «به سلامت. لطفاً در رو هم ببند.»
 ۵. خودداری از ادب به معنی سکوت یا انجام ندادن کار مؤدبانه مانند تشکر نکردن از کسی، وقتی که طرف مقابل انتظار آن را دارد که این امر از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است.

کالپیر می‌گوید بی‌ادبی هنگامی رخ می‌دهد که ۱. گوینده عمداً برای تهدید وجهه مخاطب ارتباط برقرار کند؛ ۲. شنونده رفتار گوینده را رفتاری عمدی برای تهدید وجهه تلقی کند یا ۳. ترکیبی از گزینه‌های ۱ و ۲ اتفاق بیفتد. نکته اصلی این است که بی‌ادبی در تعامل گوینده و شنونده شکل می‌گیرد. یعنی پویایی تعامل در بافت مهم است. نمونه اصلی فقدان ادب ترکیبی از گزینه‌های ۲ و ۱ است. البته موارد ۲ و ۱ به صورت مجزا نیز امکان‌پذیر هستند یعنی تهدید وجهه به‌طور عمدی صورت بگیرد، اما توسط شنونده درک نشود یا بالعکس شنونده سخنی را از طرف گوینده غیرمؤدبانه تلقی کند در حالی که گوینده قصد تهدید وجهه را نداشته باشد (کالپیر، ۲۰۰۵: ۳۹).

در نظریه جدید کالپیر دو عامل مهارت^۱ و آگاهی^۲ نیز در عمدی تلقی کردن یک رفتار مؤثر است. البته منظور از مهارت این است که گوینده این توانایی را دارد که به نتیجه دلخواهش برسد و آگاهی نیز به این نکته اشاره دارد که فرد در مورد رفتاری که از خود نشان می‌دهد آگاهی دارد (کالپیر، ۲۰۱۱ الف: ۴۹). شرکت‌کنندگان در تعامل، مدام در حال تلاش برای درک این مسئله‌اند که قصد گوینده از بکار بردن علائم زبانی چه بوده است و با توجه به بافت و همچنین تجربه‌های قبلی خود از دنیای خارج از میان تلویحات مختلفی که از گفته بر می‌آید یکی را انتخاب می‌کنند که البته پیش‌فرض‌های آنان از شخصیت گوینده در تفسیر کلام وی مؤثر است. کالپیر بی‌ادبی را نگرشی می‌داند که ممکن است به‌عنوان یک طرحواره مفهوم‌سازی^۳ شود (کالپیر، ۲۰۱۱ الف: ۵۹). طرحواره‌های نگرشی با طرحواره‌های عاطفی ارتباط دارند. این طرحواره‌های عاطفی رفتارهای زبانی هستند که در موقعیت‌های خاص بی‌ادبی محسوب می‌شوند و شامل پاسخ‌های رفتاری هستند. البته نشانگرهای احساسات همچون خشم یا لبخند، خود به خود نشان‌دهنده بی‌ادبی زبانی نیستند، بلکه مجموعه‌ای از عوامل باید

1. Skill

2. Awareness

3. Conceptualization

در کنار یکدیگر قرار بگیرند تا بتوان یک رفتار کلامی را بی‌ادبی نامید. به عقیدهٔ کالپیر نظریه‌های بی‌ادبی باید بتوانند میان زبان، موقعیت و احساسات خاص مرتبط با بی‌ادبی ارتباط برقرار کنند. آنچه کالپیر بی‌ادبی تأثیرگذار نامیده است همین رابطه‌ای است که بین احساسات و اطلاعات ما در موقعیت‌ها و هنجارها وجود دارد یعنی افراد با توجه به بافت و موقعیت عکس‌العمل نشان می‌دهند. میزان و شدت هر یک از احساسات (عشق، لذت، عصبانیت، غم و ترس) با توجه به بافت با یکدیگر متفاوت است. به عبارت دیگر، در بروز این احساسات منفی سه عامل موقعیت، طرز برخورد، میزان کنترل فرد بر رفتار خود که کالپیر آن را خود کنترلی^۱ می‌نامد در بروز بی‌ادبی دخیل هستند و ارتباط این سه مورد را باعث بروز بی‌ادبی می‌داند (کالپیر، ۲۰۱۱: ۵۷-۵۹). طبق نظر کالپیر بی‌ادبی مفهومی است که در ذهن گویشوران وجود دارد. یک بافت اجتماعی از طریق ذهن با زبان مرتبط است و چون بی‌ادبی یک مفهوم متغیر است پس فهم آن نیاز به فهم رفتارهای افراد در بافت خاص دارد. کالپیر تأکید کرده است که آنچه باعث می‌شود راهکارها بی‌ادبانه تلقی شوند توجه به بافت زبانی^۲ و غیر زبانی^۳ است. به‌طور کلی می‌توان گفت در موقعیت‌های معین برخی رفتارهای کلامی خاص بی‌ادبی تلقی می‌شوند. مثلاً ممکن است برخی واژه‌ها که در حالت معمولی دشواژه محسوب می‌شوند، در جمع دوستان صمیمی استفاده شده و بار معنایی منفی نداشته باشند. یعنی برخی رفتارها می‌توانند در بافتی خاص بی‌ادبانه تلقی شده و در بافتی دیگر خنثی یا مثبت تعبیر شوند (کالپیر، ۲۰۱۱: ۱۱۷).

رفتارهای قاعده‌مند انتظارات را به وجود می‌آورند. این انتظارات باعث می‌شوند که افراد آن رفتارها را یک امر بدیهی بپندارند که همین امر دارای ارزش است. به‌طور خلاصه می‌توان گفت هر جامعه مجموعه از هنجارهای اجتماعی دارد که شامل قوانین کمابیش واضحی هستند که یک رفتار خاص، مجموعه‌ای از امور یا یک طرز فکر در بافت را تجویز می‌کنند. ارزش-گذاری مثبت (ادب) زمانی رخ می‌دهد که رفتار انجام شده در جهت هنجارها باشد و ارزش-گذاری منفی (بی‌ادبی/ گستاخی) زمانی اتفاق می‌افتد که عکس حالت قبل پیش بیاید (فراسر^۴، ۱۹۹۰: ۲۲۰).

1. Self - Control

2. Co-Text

3. Context

4. B. Fraser

قدرت شامل قدرت اجتماعی، جایگاه برتری / اقتدار است و طبق تعریف اسپنسر اوتی^۱ (۲۰۰۸) قدرت میزانی است که گوینده می‌تواند داورهای خود را بر شنونده و داورهای او تحمیل کند. قدرت ویژگی است که در اختیار شنونده و گوینده قرار دارد و این دو با توجه به اینکه کدام یک قدرتمندتر است با قدرت خود در مورد چگونگی بیان کنش تهدید وجهه تصمیم می‌گیرند. سه نوع رابطه با قدرت متصور است: الف. فردی با قدرت کمتر با فرد قدرتمندتر مخالفت می‌کند ← دانش‌آموز با معلم، ب. فردی که قدرت بیشتری دارد با فردی که قدرت کمتری دارد مخالفت می‌کند ← معلم با دانش‌آموز و ج. دو نفر با قدرت برابر با هم مخالفت می‌کنند ← معلم با معلم.

بوسفیلد^۲ (۲۰۰۸) در کتاب بی‌ادبی در تعامل، بررسی می‌کند که بی‌ادبی در بافت‌های مختلف با توجه به عوامل قدرت و نقش‌های شرکت‌کنندگان متفاوت است و نیز بی‌ادبی شامل کنش‌های تعدمی تهدید وجهه است که به صورت هدفمند انجام می‌شوند و خشونت در آنها دیده می‌شود.

مطالعات جامعه‌شناسان و زبان‌شناسانی چون کالپیر (۲۰۱۱، ب، ۱۹۹۶) نشان داده است که دو مفهوم قدرت و بی‌ادبی با یکدیگر در ارتباط هستند به این طریق که هر چه قدرت بیشتر باشد، احتمال آسیب به وجهه و در نتیجه بی‌ادبی بیشتر است و دیگر اینکه اگر بی‌ادبی از سوی فرد قدرتمند انجام شود، دارای آزار کمتری است تا اینکه از موضع قدرت پائین‌تر استفاده می‌شود. در بافتی که رابطه میان افراد یکسان نیست فردی که قدرتمندتر است نسبت به فرد دارای قدرت کمتر از راهبردهای بی‌ادبی بیشتری استفاده می‌کنند. همچنین طبق نظر کالپیر با توجه به وجهه و حقوق اجتماعی، جایگاه شغلی و موقعیت بالای افراد بر میزان اعمال خشونت کلامی توسط آنها تأثیر می‌گذارد.

کالپیر معتقد است کارکرد بی‌ادبی در دیالوگ‌های نمایشی درام، عدم هارمونی و درگیری بین شخصیت‌هاست که موجب جذب تماشاگران و باعث حرکت توالی رویدادهای نمایش به سمت جلو می‌شود. زمینه‌سازی، توطئه‌چینی و خشم شخصیت‌ها بیشتر در دیالوگ نمود پیدا می‌کند. البته در درام، بی‌ادبی امری اتفاقی نبوده و همچنین برای سرگرمی مخاطب نیست. درگیری بین شخصیت‌ها به‌عنوان نشانه عدم تعامل اجتماعی ظاهر می‌شود (کالپیر، ۱۹۹۸: ۸۶-۸۳). به عبارتی در درام تناقض میان شخصیت‌ها و نقض اصل ادب با اهداف دیگری نیز

1. H. Spencer-Oatey

2. D. Bousfield

صورت می‌گیرد. مهم اینکه دیالوگ‌های فیلم‌ها و آثار دراماتیک نه کاملاً اصل ادب را تأیید و نه کامل آن را نقض می‌کنند (کالپیر، ۱۹۹۸: ۹۳).

کالپیر (۲۰۱۱ب) باور دارد ایدئولوژی‌ها که فرض‌های تجویزی و ارزش‌مدار هستند با توجه به شاخص‌های بافتی همراه آن مفهوم‌سازی می‌شوند. مفهوم‌سازی یعنی اینکه چه چیزی درست و مناسب و خوش ساخت است و ارزش گفتن دارد. کالپیر در بررسی رفتارهای قراردادی شده به عواملی چون روش انتقال پیام، محرمت زبانی، عوامل زبر زنجیری خاص همچون شدت لحن کلام و ویژگی‌های غیر کلامی اشاره می‌کند که باعث افزایش شدت آزار می‌شوند. در واقع بی‌ادبی نشانگر رفتارهایی است که به لحاظ نگرشی افراطی هستند و وجود شدت‌دهنده‌ها باعث کاهش دوگانگی و افزایش قطعیت در درک رفتارهای بی‌ادبانه خواهد شد.

۴. روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر که از نظر هدف کاربردی و از نظر نوع روش توصیفی – تحلیلی است بر آن بوده است تا بر اساس تحلیل گفتمان و نظریه بی‌ادبی کالپیر الگوهای کاربرد رفتار کلامی بی‌ادبانه را در سریال خانوادگی "مادرانه" بررسی نماید. جامعه آماری پژوهش متشکل از کلیه گفت‌وگوهای بین شخصیت‌های سریال است که از این بین تعداد ۳۰ نمونه از گفت‌وگوهای حاوی ارتباط میان انواع وجهه و حقوق اجتماعی به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و الگوهای کاربرد بی‌ادبی کلامی موجود در نمونه‌های منتخب سریال تحلیل گردیده است.

۵. یافته‌های پژوهشی

قصهٔ سریال «مادرانه» به‌عنوان یک متن گفتمانی^۱ و بازنمودی^۲ از زندگی واقعی مردم پیکرهٔ مناسبی برای این پژوهش است. داستان ملودرام این سریال، قصه‌ای واقع‌گرا و حاوی استعاره، تمثیل، طعنه و کنایه است که در آن گره خوردن مسائل بین دو قشر کم درآمد و مرفه جامعه به تصویر کشیده شده است و به تبعات فروپاشی خانواده به‌عنوان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در سرنوشت انسان می‌پردازد. «اردلان تمجید»، شخصیت اصلی این سریال، برای رسیدن به پول به عشق و نزدیکان خود پشت پا زده است. او معتقد است با پول همه چیز را می‌توان خرید و به اتکای ثروتی که دارد به همه از بالا به پایین نگاه می‌کند. در این سریال به وفور شاهد نقش تخریب‌گر زبان در تخریب شخصیت افراد و انواع بی‌ادبی‌های زبانی از جانب «اردلان» هستیم. او دائم تهدید می‌کند، از لغات توهین‌آمیز استفاده می‌کند، تهمت می‌زند، مسخره می‌کند و در مقابل، درخواست موافقت بی‌چون و چرای دیگران را دارد. هر یک از شخصیت‌ها استعاره‌ای از یک گفتمان در جامعه هستند چون نظرات خود را دارند. رفتار زبانی بی‌ادبانه و آزار دهنده در این سریال یکی از رفتارهای قابل مشاهده / درک است که الگوهای کاربرد آن را می‌توان بر اساس تحلیل بافت و نظریهٔ گفتمان (۲۰۱۱ب) در گفت‌وگوهای منتخب این سریال بررسی کرد.

جدول ۱. جلوه‌های بی‌ادبی آشکار و تهدید وجههٔ فردی

شماره	مکالمه	توضیحات
۱	اردلان: آهان، پس مادر اون بی‌پدر شمایی مادر فرزند (نامزد دختر اردلان و رعنا): بی‌پدری عیب و عار نیست، بی‌ادبی عیب و عاره	- انتساب صفت «بی‌پدر» به فرزند و بی‌پناه نشان دادن و تهدید آشکار وجههٔ فردی وی توسط اردلان. - اطلاق «عیب و عار بودن» بی‌ادبی به اردلان توسط مادر فرزند در دفاع از وجههٔ فردی فرزندش و تهدید مستقیم وجههٔ فردی اردلان.
۲	فرزاد: تو ازم می‌خوای خواهر و مادرم رو ول کنم؟ من اگه اونارو ول کنم دختر تو رو هم ول می‌کنم اردلان: آدمی که بلند فکر می‌کنه آدم بی‌در و پیکر و خطرناکیه	- انتساب صفات «بی‌در و پیکر» و «خطرناک» به فرزند توسط اردلان و تهدید آشکار وجههٔ فردی وی.

1. Discursive Text

2. Representational Text

ادامهٔ جدول ۱. جلوه‌های بی‌ادبی آشکار و تهدید وجههٔ فردی

<p>- بی‌ادبی منفی اردلان و ترساندن مخاطب خود - انتساب صفت «بی‌تحملی» به رعنا و تهدید آشکار وجههٔ فردی و به رخ کشیدن بی‌مسئولیتی وی به صورت کنایی توسط اردلان. - نفرین و تخریب وجههٔ فردی اردلان.</p>	<p>اردلان: جلو نیا می‌زنم به سیم آخر. من تحمل می‌کنم که بچه‌ام نره پیش گل بانو بخوابه. که بچه‌ام نره عملی بشه، نره تو خیابون رعنا: تو باعث شدی. بچه‌هام رو ازم گرفتی، لعنت به تو اردلان</p>	<p>۳</p>
<p>- بیان جملهٔ «تحملت می‌کنم» و غیر قابل تحمل جلوه‌دادن رعنا و حمله به وجههٔ فردی وی توسط اردلان. - انتساب صفات «پول‌پرستی» و «قلدر» به اردلان توسط رعنا در پاسخ به وی و در مقابل تهدید وجههٔ فردی وی.</p>	<p>اردلان: مادر بمون، وایسا بالا سر بچه‌هات. یه بار بهت گفتم تحملت می‌کنم برای بچه‌ها رعنا: تحلمم کردی به خاطر پولای بابام. حالا می‌خوای تحلمم کنی به خاطر بچه‌هام. کی گفته من این همه تحقیر شدن رو به تو بدهکارم. قلدر؟! </p>	<p>۴</p>
<p>- بیان جمله «به من ندشون» توسط رعنا و به تصویر کشیدن غیرمستقیم زورگویی اردلان و حمله به وجههٔ فردی وی. - بیان وطن‌پرستی و حفظ وجههٔ فردی خود توسط اردلان. - انتساب صفت «ممنوع‌الخروج» و زیر سوال بردن وطن‌پرستی اردلان و تهدید وجههٔ فردی وی توسط رعنا.</p>	<p>رعنا: با بچه‌ها بیا بیرون از ایران زندگی کن. دل اونا هم خوش باشه. به من ندشون با خودت بیارشون اردلان: نه. من پام رو از اینجا بیرون نمیدارم. من زبون اینجا رو بلدم. سر قانون هر جای دیگه دنیا لکنت دارم رعنا: شاید نمی‌تونی بیرون از ایران بری! نایب ممنوع‌الخروج کرده، چک، سفته، همون کاری که با بابام کرد.</p>	<p>۵</p>

ادامه جدول ۱. جلوه‌های بی‌ادبی آشکار و تهدید وجهه فردی

<p>- تخریب و تهدید وجهه فردی اردلان با بیان جمله «دوستم نداشتی»، اینکه «همیشه حواست به پولای بابام بود، قبول» توسط رعنا و محکوم کردن وی به «دروغگویی» و «پول-پرستی» با بیان جمله «قسمت می‌دم به جون بچه‌هام راستشو بگو» و بیان نفرت خود از اردلان.</p> <p>- بروز ادب کنایه‌دار در دفاع از وجهه فردی خود توسط اردلان با ضرب‌المثل «دست پیش می‌گیری، پس نیفتی»، تفهیم اشتباه-های خود رعنا و در واقع خنثی کردن کنش تهدید وجهه</p> <p>- دفاع اردلان از وجهه فردی و خودشناسی خود، عذاب وجدان و تلقی بدبختی خود از ناراحت کردن مادرش و جلوه دادن خود به‌عنوان فرد مقید به اصول و وجدان اخلاقی^۱.</p>	<p>رعنا: تو تموم اون سال‌ها که با هم زندگی می‌کردیم، تو تموم لحظاتی که فکر می‌کردم عاشقمی، تو به به زن دیگه‌ای فکر می‌کردی؟ این موضوع عین به تله موش همه جا به پام گیر می‌کنه، اینکه دوستم نداشتی قبول، اینکه همیشه حواست به پولای بابام بوده قبول، اما فقط به چیز. مرد و مردونه، توی تموم اون سال‌ها، تو حواست پیش اون نامزد سابقت بود؟ آره اردلان؟ رها و ارسلان جوتنن، قسمت میدم به جون بچه‌هام راستشو بگو بهم، بگو تا تکلیفم با خودم، با نفرتم، تو خلوتم روشن بشه.</p> <p>اردلان: دست پیش می‌گیری که پس نیفتی. من خوبیا و بدیام رو می‌شناسم، اونقد لجن نبودم تو اون همه سال‌ها به زنی که ازدواج کرده فکر کنم. به جون بچه‌هام، من بیشتر از اینکه به تو وفادار باشم به خودم وفادار بودم، همه اون سال‌ها حتی عذاب وجدان ول کردن نامزدم تو ذهنم نبود، فقط به چیز بود، به عذاب. به درد مادرم. ولی این روزا شاید دارم پای اون روزا رو می‌خورم. شکوندن به دل، مرخص کردن دعای مادرم.</p>	۶
--	---	---

¹ . Moral Conscience

ادامهٔ جدول ۱. جلوه‌های بی‌ادبی آشکار و تهدید وجههٔ فردی

<p>تهدید وجههٔ فردی و نامیدن خود به‌عنوان فرد خودخواه توسط اردلان و انتساب صفت منفی «زنه» به رعنا و تهدید متعمدانهٔ وجههٔ فردی و غریبه جلوه‌دادن و تحقیر رعنا.</p> <p>– عدم تطابق بافت زبانی و غیرزبانی و کاربرد ادب کنایه‌دار و نقض قاعده روش گرایس با جمله «دیگی که ...»، «تلویحاً به تصویر کشیدن خودخواهی خویش توسط اردلان و تهدید وجههٔ فردی خود.</p> <p>– انتساب غیرمستقیم صفت «بی‌عقل» به رها و تهدید وجههٔ فردی وی و متهم به خودخواهی کردن رعنا با بیان «سوختن و ساختن» و القای عدم توانایی رعنا در مراقبت از رها با بیان «بربردش نزدیک چاقوی کسی که...».</p>	<p>اردلان: وقتی گفت دوست ندارم. رها رو میگم. زدم تو مایه‌های خودخواهی که چی منو دوست نداری؟ دخترم من رو دوست نداره؟ باشه! حالا که دوست نداره، می‌دمش دست زنه تا ببردش با خودش! آدمیزاده دیگه! منم منم داره، خود خواهی داره.</p> <p>یه لحظه گفتم حالا دیگی که برای من نمی‌جوشه، می‌خوام سر سگ توش بجوشه. می‌خوام بسوزمو بسازم. با دوست‌نداشتن دخترم، بسوزمو بسازم، دوستم نداره. خب نداشته باشه. من که دارم. عقل نداره. من که دارم. پس نباید بدمش دست کسی که ببردش نزدیک چاقوی کسی که...»</p>	<p>۷</p>
<p>– تهدید وجههٔ فردی خود، وجههٔ فردی رعنا توسط اردلان با بیان اینکه می‌خواهد پول‌هایش را خرج گذشته اشتباه خود و رعنا کند. تهدید آشکار وجههٔ فردی و تخریب شخصیت فرزاد با مخاطب قراردادن او با ضمیر اشاره «اون» که در فارسی برای حیوانات و اشیاء استفاده می‌شود</p> <p>– تشبیه پول اردلان به «کنافت» که اردلان باید آنها را خرج خودش بکند توسط رعنا و دفاع از وجههٔ فردی خود و تهدید وجههٔ فردی اردلان.</p>	<p>اردلان: می‌خوام هر چقدر که این چند ساله درآوردم رو خرج کنم. خرج کنافت گذشته‌ام کنم. می‌خوام بدم به تو. بدم به اون پسره فرزاد</p> <p>رعنا: اون کنافتایی که درآوردمی رو خرج خودت بکن نه من</p>	<p>۸</p>
<p>– بروز اتفاق نادر کنش تهدید و آسیب به وجههٔ خود با انتساب صفات توهین‌آمیزی چون «دندون لقی» و «سر به تن نیرزیدن» به خود و تفهیم «بی‌ارزش» و «بی‌عرضه» و «جاه‌طلب» بودن خود به دایی در جهت طلب همدردی از جانب وی.</p> <p>– بیان جمله «سر بزنگاه قانون یادت میده» توسط دایی و تفهیم این امر که فرزاد با قانون طرف است و با نقض اصول گرایس (۱۹۷۵) به‌طور تلویحی فهماندن اینکه قصد همدردی با او را ندارد و بروز بی‌ادبی ایجابی (مثبت).</p> <p>– خطاب کردن فرزاد با عبارت «آقا فرزاد» که نمونه‌ای از ادب کنایه‌دار است که ظاهری مؤدبانه دارد ولی در اصل تحقیرآمیز است.</p>	<p>فرزاد: من سرم به تنم نمی‌ارزه و می‌دونم آق مادر شدن یعنی چه. من آق مادر شدم. من دندون لقم، دایی. بکنننن ام بندازینم دور. دایی شما خوب، سالم، حلال خور، کم‌توقع، خوشبخت. شما میتونین این طور خوشبخت باشین ولی من بلد نیستم با اینا خوشبخت باشم.</p> <p>دایی فرزاد: قانون یادت میده. سر بزنگاه قانون یادت میده، آقا فرزاد.</p>	<p>۹</p>
<p>– تهدید آشکار وجههٔ پرستار و ابراز مخالفت خود از عمل وی توسط اردلان و بروز بی‌ادبی ایجابی (مثبت) و درواقع تلفیقی از بی‌ادبی آشکار و ایجابی.</p>	<p>پرستار کلینیک: ما به مادر رها خبر دادیم تا برای مشاوره بیاد</p> <p>اردلان: شما خیلی غلط کردید</p>	<p>۱۰</p>

جدول ۲. جلوه‌های بی‌ادبی مثبت (ایجابی) و تهدید وجهه رابطه‌ای

شماره	مکالمه	توضیحات
۱	اردلان: بقیه‌شم (پولها) آتیش بزمن تا دیگه رو دو زانو راه نرم. می‌دونی رو دو زانو راه رفتن یعنی چی؟ رنا: آره می‌دونم. وقتی بعد هیجده سال بفهمی عشقت، شوهرت، مردت، هیچ وقت عاشقت نبوده، بقیه زندگی رو باید روی زانوهای راه بری، اردلان. نه اردلان: سکوت رنا: خفه س ... هوا می‌خوام ... خفه س ... خفه س	- زبان مبهم و مرموز و نقض قاعده روش گرایس و عدم تطابق بافت زبانی و غیر زبانی، بی‌ادبی مثبت با اصطلاح تحقیر آمیز «روی دو زانو راه رفتن». - زیر سؤال بردن وجهه و هویت اجتماعی اردلان توسط رنا و گفتن این موضوع که هر چیزی را که یک زن باید وقف شوهرش کند به اردلان داده است ولیکن عشق، مردانگی و اکرام زن توسط شوهر، صداقت / همراهی که طبق هنجارهای اجتماعی قراردادی و غیر قراردادی (عرف) جزء بهترین‌های زندگی است و برآورده نشدن این جانب انصاف از سوی اردلان، بیان «منی‌توان اینجا نفس کشید» و حمله به وجهه رابطه‌ای و تفهیم عدم همراهی او با وی که مانع تنفس است.
۲	اردلان: بگو بچم بیاد پائین، خانم رنا: خیلی سخته بهم بگی رنا اردلان: چیه کمبود محبت داری؟ رنا: نمیداد. نمیداد. به من پناه آورده ... خماره... می‌خوای ببریش کجا؟ ها؟ اردلان: جایی که تو نباشی. وسوسه‌هاش نباشه. میری بیاریش یا خودم برم بیارمش	- تعمدانه خطاب قرار دادن رنا با واژه نشانگر هویتی «خانم» و جملات «بگو بچم بیاد پائین» و بی‌اعتنایی به رنا با اصطلاح «خانم» که معمولاً برای اشخاص غریبه استفاده می‌شود، کاربرد نوعی بی‌ادبی مثبت (ایجابی). - بیان «رها به من پناه آورده» و نشان دادن بی‌پناهی رها به هدف زیر سؤال بردن مسئولیت پدری اردلان در مراقبت از فرزندشان، تهدید وجهه شخصی / هویت اجتماعی. - متهم کردن رنا به وسوسه رها و تهدید وجهه شخصی وی (در حالی که در فرهنگ اسلامی - ایرانی وسوسه کردن دیگران جزء خصوصیات شیطان است)، تهدید رنا توسط اردلان با بیان جمله «میاریش یا خودم برم» - خدشه‌دار کردن احساسات یکدیگر در قالب رفتارهای دفاعی منفی کلامی و سرزنش‌آمیز (بی‌ادبی تأثیر گذار).
۳	اردلان به رنا: خوش به حال درخت گردو اگه کلاغ باهاش قهر کنه	- عدم تطابق بافت زبانی و غیرزبانی و القای معنایی متفاوت از معنای ظاهری کلام، نقض قاعده روش گرایس، کاربرد زبان مرموز و ضرب‌المثل به قصد تحقیر و تخریب شخصیت رنا و تأکید بر مضر بودن ارتباط رنا و رها.
۴	مادر مریم به اردلان: به شتر گفتن چرا دست و پات کجه، شتر گفت کجام کج نیست	- نقض قاعده روش گرایس، کلام نیش و کنایه‌دار، عدم تطابق بافت زبانی و غیرزبانی و القای معنایی متفاوت و خدشه‌دار کردن وجهه فردی / وجهه اجتماعی اردلان.
۵	نایب: کسی که تو یه خونه شیشه‌ای زندگی می‌کنه با سنگ شیشه خونه کسی دیگه رو نمیاره پائین اردلان: اگه می‌خوای از سایه هیولا بیای بیرون باید خود هیولا باشی محمدجواد: کار بد، بدیش اینه که عادتت میشه	- عدم تطابق بافت زبانی و غیرزبانی و استفاده از زبانی مبهم و مرموز توسط هر سه طرف مکالمه و اعمال راهکار بی‌ادبی مثبت (ایجابی).

ادامهٔ جدول ۲. جلوه‌های بی‌ادبی مثبت (ایجابی) و تهدید وجههٔ رابطه‌ای

<p>۶ - به رخ کشیدن عشق سابق پدر توسط دخترش و متهم کردن او به اینکه فقط عشق سابقش را دوست دارد (با توجه به هنجارهای اجتماعی غیر قراردادی (عرف) در جامعهٔ ایرانی این طرز صحبت رها با پدرش نوعی تهدید وجههٔ رابطه‌ای پدر و دختری است).</p>	<p>رها: بابا من دوستتون دارم اردلان: دیکه به کارم نمیداد، دیکه به کارم نمیداد رها: به کارتون نمیداد؟ دوست داشتن مریم زمان چی؟ به کارتون میاد؟ اردلان: زندگی دفتر مشق نیست که هر موقع خواستی برگردی پاکش کنی و از نو بنویسی، آگه می‌شد که برمی‌گشتم. رها: مریم زمان رو می‌نوشتی؟!!!</p>	<p>۶</p>
<p>۷ - استفاده اردلان از زبانی مبهم و مرموز که برای رعنا آشنا و پیش فرض است و بیان این امر که علاقه‌ای راجع به این موضوع ندارد، بی‌اعتنایی رعنا نسبت به خواسته اردلان و ادامه صحبت خود راجع به موضوع و اعمال نوعی بی‌ادبی مثبت (ایجابی)، هشدار اردلان به رعنا و اعمال بی‌ادبی مثبت (ایجابی). - بی‌اعتنایی رعنا به اردلان و اشاره وی به بی‌اعتنایی مادر اردلان نسبت به خودش و بروز (بی‌ادبی ایجابی). - بی‌اعتنایی اردلان برای نشان دادن عدم همراهی خود با رعنا و اعمال نوعی بی‌ادبی مثبت (ایجابی). - بیان اصطلاح «ننه بابات» که نوعی تابو در زبان فارسی است و اعمال راهکار بی‌ادبی مثبت (ایجابی).</p>	<p>رعنا: مادرت برای دلجویی از مریم، رفت به دیدنش اردلان: همش زن رعنا: بعد از اونجا رفت خونه سالمندان اردلان: میگم همش زن!!! رعنا: اما حتی یکبارم به دیدن من نیومد اردلان: همش زن رعنا: باید هم زده بشه اردلان: منو تو هفت پست باهم غریبه‌ایم. من با غریبه‌ها خوب و بد گذشته‌ام رو هم نمی‌زنم یا توسط قانون با زور دی آج ادت می‌کنم بری پیش ننه بابات. بگو خب!</p>	<p>۷</p>
<p>۸ - کاربرد ضمیر نشاندار «تو» برای تشدید آزار، اعمال بی‌ادبی ایجابی. - کاربرد القاب ناشایستی چون «بلا»، «بلای روزگار» برای خطاب قرار دادن رعنا و اعمال بی‌ادبی ایجابی (مثبت).</p>	<p>رعنا: چه بلایی سر بچه‌های من آوردی تو. بچه‌های من کجان؟ اردلان: بلا تویی، بلای روزگار تویی، عشق خارج تو دیوونش کرد، بی‌شعورش کرد، بلا تویی، گزارشت رو گرفتی، حالا بفرما برو خارجت، یه صفر گنده هم بنداز تو کارنامه‌ات، بفرما</p>	<p>۸</p>
<p>۹ - ایجاد حس ناامنی در «رها»، اعمال بی‌ادبی ایجابی، بیان عبارات تهدیدآمیز و اعمال بی‌ادبی آشکار به قصد ترساندن و نیز بی‌ادبی سلیبی (منفی) و در واقع تلیفقی از هر سه نوع بی‌ادبی.</p>	<p>اردلان خطاب به دخترش رها: از این به بعد هیچ دری تو این خونه دیکه بسته نیست. از این به بعد آب خوردنت رو هم می‌پام. آدمت می‌کنم</p>	<p>۹</p>
<p>۱۰ - ندادن جواب سلام، اعمال نوعی بی‌ادبی به مخاطب، عدم رعایت مهمان‌نوازی و هنجارهای اجتماعی غیر قراردادی و کاربرد مصداق بارزی از خودداری از ادب. - نامگذاری و استفاده از نشانگر هویتی نامناسب «دختر بیژن» و کاربرد بی‌ادبی ایجابی (مثبت).</p>	<p>رعنا: سلام. شما با این پسره چه ارتباطی دارید؟ نایب: اینجا محل زندگی منه، دختر بیژن، عادت به رفت و آمد نکن رعنا: با شمام نایب: کدوم پسره. من پسری نمی‌شناسم دختر بیژن</p>	<p>۱۰</p>

جدول ۳. جلوه‌های بی‌ادبی منفی (سلبی) و تهدید هویت اجتماعی

شماره	مکالمه	توضیحات
۱	اردلان: میدم گوش پسترتو بزن. میدونی گوش بریدن یعنی چی؟ مادر فرزاد: اون به اندازه اشتباهاتش تنبیه می‌شه ... تو نمی‌تونی گوش پسر رو ببری. مگه مملکت قانون نداره؟ اردلان: قانون؟! قانون منم خانم! چون پول تو جیب منه	- ترساندن مادر فرزاد توسط اردلان و به رخ کشیدن پول خود، ایجاد حس ناامنی در مخاطب، کاربرد بی‌ادبی منفی - قلمداد کردن پول به‌عنوان هویت اجتماعی و اعتقاد بر حمایت قانون از او (پول) و تداعی ناخودآگاه برابر بودن فرد پولدار با فرد صاحب قدرت، خدشه به هویت اجتماعی
۲	فرزاد: من دختر اینا رو می‌خوام. اونم منو میخواد. می‌خواین نخوام، دست کنین تو جیبتون	- تهدید و ترساندن اردلان توسط فرزاد و اعمال نوعی بی‌ادبی منفی (سلبی)
۳	اردلان: رعنا فتنه س رها: چرا فتنه شد؟ چون بهش ظلم شد	- انتساب تعدی صفت منفی «فتنه» به رعنا توسط اردلان در حالت عدم حضور رعنا در مکالمه و دفاع از خود، بی‌انصافی در رفتار اردلان (در فرهنگ ایرانی - اسلامی چنین کنش‌های کلامی مذموم غیبت ^۱ نامیده می‌شود.
۴	رعنا: من عشق می‌خوام اردلان: نداریم خانم، فقط قرارداد رعنا: من بیشتر از قرارداد می‌خوام اردلان: گشتم نبود شما هم نگرد. نیست، چی شده؟ تا خارج و دَر دو دور تعطیل شد مادری هم تعطیل شد؟ ها؟ نخیر خانم شما اینکاره نیستی، بگو خب!	- کاربرد بی‌ادبی منفی (سلبی) و متهم کردن رعنا به خوشگذرانی و ترجیح دادن زندگی و تفریح در خارج به انجام وظیفه مادری خود و انتساب آشکار صفت منفی ^۲ «مادر نبودن» به رعنا
۵	اردلان: من ثابت کردم ... پدرم. تو هم ثابت کن مادری رعنا: اینه ثابت کردن تو! جگر گوشه من داره اون بالا پرپر می‌زنه. من به تو همه چیز دادم اردلان: اینکه بچم رو ول کردی رفتی رعنا: عشق، بچه، ثروت ... تو به من چی دادی؟	- بیان «پرپر زدن جگر گوشه» و تمسخر ^۳ اردلان، کاربرد بی‌ادبی منفی - متقابلاً تمسخر رعنا توسط اردلان - عدم وجود عملکرد متقابل مورد انتظار و آنچه لازمه زندگی اجتماعی و زناشویی است از سوی شوهر، ایجاد ذهنیت بروز رفتار غیراخلاقی بی‌انصافی، خدشه به هویت اجتماعی فرد.

۱. Absence of Verbal Interaction

۲. Negative Trait

۳. Ridicule

ادامهٔ جدول ۳. جلوه‌های بی‌ادبی منفی (سلبی) و تهدید هویت اجتماعی

<p>۶ - محکوم کردن صریح اردلان به صفت منفی کم‌کاری در وظیفهٔ پدری و کاربرد نوعی بی‌ادبی منفی (سلبی).</p>	<p>اردلان: رها چرا با فرزند دوست شد آخه؟ محمدجواد: بین تو خونت چی کم گذاشتی که تو خیابون رفته دنبالش</p>	<p>۶</p>
<p>۷ - نقص قاعده روش گرایس، عدم تطابق بافت زبانی و غیر زبانی و کاربرد ادب کنایه‌دار که با توجه به فرهنگ جامعه ایرانی «مرد بودن» نوعی هویت اجتماعی و در نتیجه «نامرد بودن» تهدیدی است به هویت اجتماعی فرد.</p>	<p>محمد جواد: تو دنیا سه جور مرد داریم: یکی مرد به دنیا میاد، یکی دنیا مردش می‌کنه، یکی دنیا نامردش می‌کنه</p>	<p>۷</p>
<p>۸ - قصد اردلان در تفهیم این موضوع به فرزند که وی را در حد همسری دخترش نمی‌بیند، انتساب صفت «الف بچه» به فرزند و تحقیر وی که این کنش تهدید وجهه به‌طور همزمان هم وجههٔ سلبی و هم وجههٔ ایجابی را تهدید می‌کند. چون درواقع اردلان در این مکالمه هم فرزند را تحقیر می‌کند و هم به او حس ناامنی می‌دهد.</p>	<p>اردلان: تو دهننت به چه نجاستی باز شده. نه نه وایسا وایسا. تو گفتی چیه دختر منی؟ تو گفتی کیه دختر منی؟ فرزند: بین آقا من اومدم با هم حرف بزنیم. با هم معامله کنیم اردلان: تو فک کردی من اونقدر دست و پا چلفتی هستم که خلاف کنم، اونوقت تو یه الف بچه مدرک کنی، نامه کنی بندازی تو خونم فرزند: من نمی‌فهمم شما چی میگی، من به مادر رها هم گفتم اردلان: تو کی هستی که جرات می‌کنی دخترمو به اسم کوچیک صدا کنی</p>	<p>۸</p>
<p>۹ - کاربرد بی‌ادبی منفی (سلبی) توسط اردلان با ایستادن جلوی در و اجازهٔ ورود ندادن به لحاظ فیزیکی و فال گوش ایستادن</p>	<p>رعنا خطاب به اردلان (کنار در اتاق رها): اومدم دخترم رو ببینم و برم. فردا پرواز دارم. از سر رام برو کنار. این حقمه که برای آخرین بار دخترم رو ببینم اردلان(در حال فال گوش ایستادن در اتاق رها): بین رها من به این خانم گفتم که بمونه باهام زندگی کنه قبول نکرد</p>	<p>۹</p>
<p>۱۰ - خطاب کردن رعنا با صفت رکیک «کلفت» توسط اردلان و تهدید وجهه و تحقیر وی و خانواده‌اش و ایجاد خشونت روانی^۲ و نیز کاربرد تمسخر پنهان در عبارت «لیخند ملیح» در کلام اردلان، کاربرد بی‌ادبی منفی (سلبی)</p>	<p>اردلان خطاب به رعنا: با اینکه کلفت شدی، هنوز اخلاقت تغییر نکرده، هنوزم صدات بلند و معترض. مادرت هم هنوز عوض نشده؟ هنوز میگه فلانی نیاد دنبال من چون بو میدی؟ پدرت چی؟ آگه وقتی تو رستوران‌های اتریش همبرگر سرخ می‌کنه، یه همبرگر رو بسوزونه اونوقت صاحب کارش به اتریشی بهش فحش میده و میگه گوساله، باز هم پدرت اون لیخند ملیح رو میزنه</p>	<p>۱۰</p>

۱ . Contempt
۲ . Psychological Violence

۶. بحث و نتیجه‌گیری

کنش و هویت شخصیت‌ها در این سریال از راه زبان و گفت‌وگوها، امکانات واژگانی و سبک‌های نوشتاری و شیوه‌ها و اصطلاحات متنوع گفتاری محدود روشن می‌شود. بی‌ادبی کلامی نوعی خشونت ساختاری است که کارکرد گفتمانی دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد کاربرد الگوهای بی‌ادبی کلامی کالپیر در سریال «مادرانه»، به‌عنوان عنصری نقش‌مند در شخصیت‌پردازی و تکوین درون‌مایه این سریال و تثبیت نظام قدرت و سرکوب نیروهای ناهماهنگ با آن کاربرد دارد. مشاهده گردید که به‌طور کلی کنش تهدید وجهه به دو حالت: الف) تحقیر واضح یا ضمنی شامل تحریک حساسیت‌های فردی و آنچه که برای فرد دارای ارزش مثبت است (بی‌ادبی آشکار) و ب) تحقیر عامدانه ویژگی‌های رفتاری / شخصیتی فرد می‌باشد (بی‌ادبی منفی) که این ویژگی‌های منفی ممکن است در فرد حاضر / غایب وجود نداشته باشد. چنانچه در کنش کلامی تهمت / غیبت گوینده با نقض قاعده کیفیت گرایس ویژگی را به فرد نسبت می‌دهد و علاوه‌بر وجهه فردی هویت اجتماعی وی را نیز مخدوش می‌نماید.

- در سریال مادرانه برای همه انواع الگوهای بی‌ادبی کلامی و تهدید وجهه نمونه‌های مناسبی یافت شد که در این بین کنش تهدید وجهه رابطه‌ای با ۲۶ مورد، ۸۶/۶ درصد دارای بیشترین میزان وقوع بوده است به‌گونه‌ای که در اعمال راهکار بی‌ادبی آشکار هم تهدید وجهه فردی و هم تهدید وجهه رابطه‌ای دیده می‌شود. شاید بتوان دلیل این امر را این‌گونه تبیین کرد که خصوصیت مهم جمع‌مدار بودن، اهمیت شرکت در اجتماع و پذیرفته شدن از سوی اعضا، یکی از ویژگی‌های جامعه ایرانی است. در نهاد خانواده و نیز نمود آن در سریال خانوادگی، روابط سالم بین اعضای آن نقش بسیار مهمی در حفظ کیان خانواده دارد. در خانواده ایرانی دفاع از حقوق مساوی به معنی آسیب به وجهه رابطه‌ای پدر است. در خانواده ایرانی تا چند دهه قبل «ادب» به معنای اطاعت از دستورات بزرگتر خانواده و سرپیچی از آن نشان‌دهنده بی‌ادبی فرزند بود؛ اما در دهه‌های اخیر رشد فردمداری در میان نسل جوان باعث شده است تا این نسل کمتر بر اساس انتظارات والدین عمل کنند و در بسیاری از رفتارهای آنها تعهد به الزامات خانوادگی دیده نشود (ر.ک نوروزی‌طلب ۱۳۷۵، آزاد ارمکی ۱۳۸۵، معیدفر و خسروشاهی، ۱۳۹۰).

- همچنین در می‌یابیم کاربرد زبان کنایی، غیرمستقیم، مبهم و ضرب‌المثل، استفاده از تکیه کلام‌های مخدوش‌کننده گفتمان مانند «خوش به حال درخت گردو آگه کلاغ باهاس قهر کنه»، «رگ گردنی نشو واسه نایب»، «کسی که تو یه خونه شیشه‌ای زندگی می‌کنه، با

سنگ شیشه خونهٔ کس دیگه رو نمیاره پایین»، «به شتر گفتن دست و پات کجه، شتر گفت کجام کج نیست؟»، «اگه می‌خوای از سایه هیولا بیای بیرون باید خود هیولا باشی»، «کار بد بدیش اینه که عادتت میشه»، «دست پیش می‌گیری که پس نیفتی» به جای واژه‌های استاندارد و متعارف در ۲۳ مورد (۷۶/۶ درصد) که بازتاب نگرش‌ها و فرایندها و طرحواره‌های ذهنی افراد است دلالت بر عدم وجود گفت‌وگوی صریح و واضح بین طرفین شرکت‌کننده در تعامل خانوادگی و نیز کاربرد قدرت نیش و کنایه است.

- مشاهده شد که در پنج مورد (۱۶/۶ درصد) گوینده تلفیقی از راهکارهای بی‌ادبی را در مکالمه بکار برده است. بنابراین، می‌توان نوع سوم راهکار ترکیبی در نظر گرفت که یک گفت‌وگوی واحد بر بیش از یک نوع بی‌ادبی دلالت می‌کند.

- همان‌طور که می‌دانیم افراد مشتاق هستند از کنش تهدید وجههٔ خود پرهیز و وجههٔ خود را حفظ کنند و لیکن سه نمونه (۱۰ درصد) یافت شد که فرد با توهین به خود به وجههٔ فردی خود حمله و آن را خدشه‌دار می‌کند.

- می‌توان به مواردی (دو مورد، ۶/۶ درصد) اشاره کرد که کاربرد ضمیری همچون «تو» و «شما» برای رساندن مفهوم بی‌ادبی و افزایش شدت آزار می‌شود. به‌علاوه، گوینده با بیان لقب «خانم» و اسم جنس «زن» و نیز نشانگر هویتی «دختر بیژن» (سه مورد، ۱۰ درصد) برای تحقیر فرد و افزایش فاصله سعی در غریبه جلوه دادن مخاطب و حمله به وجههٔ فردی/ رابطه‌ای وی را دارد.

- در یک مورد (۳/۳ درصد) از گفت‌وگوها راهکار بی‌ادبی کلامی نفرین و سرپیچی از اصل همکاری گرایس و نیز یک مورد (۳/۳ درصد) راهکار خودداری از ادب جهت تهدید وجههٔ مخاطب مشاهده گردید.

در خصوص کارکرد انواع بی‌ادبی‌های موجود در این سریال می‌توان گفت که هویت/ شخصیت فردی در طی تهاجم کلامی دچار دگرگونی می‌شود. در ناسزا و فحش و نفرین زبان تحت تصرف نیروی متخاصم قرار می‌گیرد که باعث دگرگونی شخصیت هر دو طرف گفت‌وگو می‌شود. می‌بینیم در این سریال کاربرد توهین و اهانت زبان را تبدیل به ابزاری شکنجه‌گر برای فرد مغلوب می‌کند فرد مغلوب نیز در مقابل برای حفظ وجههٔ خود وارد عمل شده و به اهانت‌کننده حمله می‌کند که در نتیجه شاهد انواع خشونت و بی‌ادبی اعم از کلامی، فیزیکی و ... بودیم. همچنین دو مفهوم قدرت پول و فاصله با یکدیگر رابطهٔ مستقیم دارند؛ بدین ترتیب که با افزایش قدرت، فاصله افزایش و در نتیجه میزان آزار ناشی از بی‌ادبی نیز افزایش می‌یابد.

می‌توان گفت لازمه چنین شخصیتی هنجار شکنی و بی‌توجهی فرد به روابط مسالمت‌آمیز است. تکیه کلام نقش اول سریال (اردلان تمجید) در آخر جمله، - «بگو خب» - فقط یک عبارت ساده نیست و در واقع به این معناست که فرد خود را محق می‌داند به همه دستور بدهد و دیگران از او اطاعت کنند؛ نتیجه چنین نگرشی است که محیط امن خانه تبدیل به شکنجه‌گاه اعضای آن و به‌علاوه، اعمال خشونت کلامی و خشونت روانی می‌شود. کاربرد عبارات مبتذل، واژگان منسوخ و عبارات توصیفی مهجور همچون اصطلاحات نامتداول «بی در و پیکر» و «وسوسه کردن»، به ترتیب نشان‌دهنده اشیاء و از صفات بارز شیطان باعث به وجود آمدن فضای گفتمانی انتزاعی و نامفهوم و خدشه‌دار شدن احساسات و عواطف انسانی می‌شوند.

در پایان، مهارت فرد در اعمال راهکار بی‌ادبی، لحن و عوامل زبر زنجیری کلام همچون کشش آوای مصوت، زبان بدن و موسیقی پس‌زمینه فیلم و در نتیجه تعامل عناصر زبانی و غیرزبانی نیز می‌توانند در شدت بخشیدن به بی‌ادبی و تهدید وجهه مخاطب مؤثر باشند. با توجه به اینکه متن مورد تحلیل متن دیداری تلویزیونی بوده و تبدیل به متن نوشتاری و تحلیل شده است و همچنین به دلیل همسو نبودن آن با هدف تحقیق به این عوامل پرداخته نشده است. امید است با همت برنامه‌سازان تلویزیونی گامی در جهت بررسی دقیق‌تر دیالوگ‌های سریال‌ها برداشته و با نشان‌دادن علائمی در تولیدات خود مخاطب در مقابل صحنه‌ها / گفت-وگوهای نامناسب آگاه و بدین طریق از اشاعه خشونت به‌ویژه بین کودکان و نوجوانان جلوگیری شود.

منابع و مأخذ

- آزاد ارمکی، تقی و جمال محمدی(۱۳۸۵). «تلویزیون و هژمونی فرهنگی (قراات‌های زنان از سریال نرگس)». **فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات**، شماره ۷، ۴۲-۱.
- الیاسی، آمنه(۱۳۹۲). **بررسی بی‌ادبی در نظرات خوانندگان به رسانه‌های بر خط**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران.
- روپسینگه، تومار(۱۳۷۹). **مدرن‌نیزاسیون و خشونت**، ترجمهٔ اصغر افتخاری، تهران: سفیر.
- سلیمیان، سمیه(۱۳۹۳). **متون نمایشی اکبر رادی در چارچوب نظریه گفتمان کالپپر**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.
- شرکت مقدم، صدیقه و معصومه احمدی(۱۳۹۵). «مطالعهٔ خشونت از متن جامعه تا متن نو ستار: تحلیل گفتمان خشونت در رمان زمین اثر امیل زولا». **مجموعه مقالات نخستین همایش ملی خشونت کلامی**. ۲۷۸-۲۵۷.
- صفاری نیا، مجید(۱۳۸۸). **روان‌شناسی اجتماعی در تعلیم و تربیت**، تهران: انتشارات پیام نور.
- محمدی بختیاری، بهروز و معنوی، مهسا(۱۳۹۵). «خشونت کلامی در نمایش نامه هاملت با سالاد فصل: رویکردی گفتمانی»، **فصلنامه جستارهای زبانی**، شماره ۲: ۲۰۵-۱۸۷.
- محمدی بختیاری، بهروز و سمیه سلیمیان(۱۳۹۵). «بررسی بی‌ادبی کلامی در نمایشنامه صیادان»، **فصلنامه جستارهای زبانی**، شماره ۱: ۱۴۱-۱۲۹.
- معیدفر، سعید و حبیب خسروشاهی(۱۳۹۰). «تعارض فرزندان با والدین در سبک زندگی»، **فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی**، شماره ۷: ۹۸-۶۷.
- نوروزی‌طلب، علیرضا(۱۳۷۵). «ساختار بیان در ادبیات داستانی»، **فصلنامه ادبیات داستانی**، شماره ۴۲: ۴۳-۵۳.
۴۸. یول، جورج (۱۳۸۹). **کاربرد شناسی زبان**. ترجمهٔ محمد عموزاده مهدرجی و منوچهر توانگر، انتشارات سمت.

Bousfield, Derek. & Miriam. A. Locher (2008). *Impoliteness in Language: Studies on its Interplay with Power in Theory and Practice*. Berlin: Walter de Gruyter.

Bousfield ,Derek (2008).*Impoliteness in Interaction*. Amsterdam: John Benjamin.

Brown, Penelope and Stephen C. Levinson (1987). *Politeness: Some Universals in Language Usage*. Cambridge: Cambridge University Press.

Culpeper, Jonathan (1996). "Towards as Anatomy of Impoliteness". *Journal of pragmatics*. 25. pp. 349-67.

Culpeper, Jonathan (1998).*(Im)politeness in Drama*.In *Janathan Culpeper, Mick Short and Peter Verdonk(eds)*. Studying Drama: From Text to context. London: Routledge.

Culpeper, Jonathan. et.al (2002). *(Im) politeness in Dramatic Dialogue*.*Exploring the language of Drama; From Text to context*. Edited by

Janathan Culpeper, Mick Short and Peter Verdonk. 83-96. London and New York: Routledge.

Culpeper, Jonathan (2005). "Impoliteness and Entertainment in the Television Quiz Show: The Weakest Link". *Journal of Politeness Research: Language, Behavior, Culture*. 1: 35-72

Culpeper, Jonathan (2008). "Reflections on Impoliteness, Relational Work and Power". In: D. Bousfield and M. Locher (eds.). *Impoliteness in Language*. Berlin: Mouton de Gruyter. 17-44.

Culpeper, Jonathan (2011a). "Politeness and Impoliteness". In: k. Aijmer and G. Andersen (eds.) *Sociopragmatics, Volume 5 of Handbooks of Pragmatics* edited by Wolfram Bublitz, Andreas H. Jucker and Klaus P. Schneider. Berlin: Mouton de Gruyter. 391-436.

Culpeper, Jonathan (2011b). *Impoliteness: Using Language to Cause Offence*. Cambridge: Cambridge University Press.

Fraser, Bruce (1990). "Perspective on politeness". *Journal of pragmatics*. 14. 219-36.

Grice, H.P. (1975). *Logic and conversation in p. cole & J.I. Morgan* [Eds] .syntax and semantics: Speech Acts 3. New York: Academic Press.

Galtung, Johan (1969). "Violence, Peace, and Peace Research". *Journal of Peace Research*. Vol 6. No.3. pp. 167-191.

Leech, Geoffrey (1983). *Principles of Pragmatics*. London and New York: Longman.

Malkine, Jeanette R (2004). *Verbal Violence in Coctemporary Drama*. Cambridge: Cambridge University Press.

Neurauter-Kessels, Manuela (2011). Impolite reader responses on British online news sites. *Journal of Politeness Research*. 7(2):187-214.

Rong, Rong (1993). "How to Make a Drama out of Impoliteness: In the Joy Luck Club (1993). *Lancaster University*, pp. 98-121

Rudanko, Juhani (2006). "Aggravated Impoliteness and two Types of Speaker Intention in an Episode in Shakespeares Timon of Athens". *Journal of pragmatics*. 38. sPp. 829-41.

Spencer-Oatey, Helen (2008). "Face, (Im) Politeness and Rapport". In Spencer-Oatey (ed.) *Culturally Speaking: Culture, Communication and Politeness Theory* (2 nd edn). London and New York: Continuum. Pp. 11-47.

Strasburger, Victor C. & Wilson, Barbara J. & Jordan, Amy B (2009). *Children, Adolescent, And The Media*. Second Edition. Sage.

Upadhyay, Shiv. R (2010). "Identity and Impoliteness in Computer-mediated Reader Responses". *Journal of politeness Research* 6, 105-127.